

مجلهٔ زبانشناسی

بازر، باز، بازانکه، چنډ، چنډ / علی اشرف صادقی

چنډ شعر به زبان گرجی، تبریزی و غیره / ا.ع. صادقی

پردازش فعل مرکب / سیدمهدی سمائی

گفتار قالبی و کاربرد خلاقانهٔ آن / مجید باغبینی پور

ساختمان فعل در گویش کرمانجی خراسان / حسنعلی ترقی اوغاز

رمزدایی از زبان بلخی، پرتوی تازه بر افغانستان باستان / محمود جعفری دهقی

نقد و معرفی کتاب

فرهنگ لغات عامیانه و معاصر / سیدمهدی سمائی

فارسی هروری / ا.ع. صادقی

چکیدهٔ انگلیسی

چند شعر به زبان کرجی، تبریزی و غیره

علی اشرف صادقی

چندی پیش کتابخانه مجلس شورای اسلامی مجموعه بسیار نفیسی را که مشتمل بر حدود ۲۰۰ رساله کوچک و بزرگ است خریداری کرد. این مجموعه در نیمه اول قرن هشتم در آذربایجان نوشته شده است. در آخر نسخه‌ای از لغت فرس اسدی که در ورقهای ۳۰۷ الف تا ۳۱۲ ب آمده تاریخ ۷۲۱ با عبارت زیر دهنده می‌شود: «... ضحوة يوم احد ۲۲ جمادی الاخرة ۷۲۱ بمقام سهند یدعی بالفارسة آب رودان سر والشمس اذ ذاک فی اوئل برج الانس» و آخرین تاریخی که در مجموعه آمده ۷۳۶ است. کاتب مجموعه شخصی به نام محمد بن مسعود بن مظفر است. بعضی از رساله‌های مجموعه عبارت‌اند از کتاب الهدایه فی اصول الفقه، کتاب انتخاب سامی فی علم اللغة، کتاب منظوم فی العروض والقوافی از ابن حاجب، ماضیه سرود و آب از نظام الدین اصفهانی، چند مناظره دیگر و غیره. بسیاری از رساله‌های این مجموعه از شخصی است به نام امین المله والدین ابوالقاسم الحاج بله. این شخص مطابق آنچه در ورق ۳۴۰ ب آمده در سال ۷۲۰ در دمشق درگذشته است. از جمله رساله‌های کوتاه مجموعه که از ورق ۳۴۰ ب به بعد آمده رساله‌ای است به نام کتاب فی طریق الاخره که از همین حاج بله است. در این رساله مقداری شعر به لهجه‌های محلی غرب ایران آمده است. از این اشعار پنج بیت دارای عنوان اورامنان و سه بیت دارای عنوان شروینان، دو بیت به زبان کرجی و چهار بیت به زبان تبریزی است.

نگارنده در جای دیگر سه بیت شروینان را نقل کرده و درباره آنها و درباره کلمه اورامنان به تفصیل بحث کرده است.^۱ در اینجا به نقل بقیه اشعار یا مختصر توضیحی می‌پردازد.

۱. رک. یادنامه دکتر احمد تقصلی (زیر چاپ).

زبان کرجی

- ۲ کهان اره میزره بونکشت کجئی نرسی بپای کجی دشتو کهان اره بوللکا
غلام کجسرو می که لکشی اندیشه بکه اجیتی مسانه بورب بهی تیش کالارهوا

زبان تبریزی

- ۴ دچان چو چرخ نکویت مو^۱ ایر رهشه مهر^۲ دورش
چوش د کاردی شکوبت وکول ودارد شریوه
بری بفهر اره میر دون جو بور زون و هترمند
پروگری آنزونیون متی که آن هریوه
اکثر بحث ورامرو کی چرخ هانزموپتی
۶ نه حرخ اسه نیوتی نه روزو ورو قوتی
زور منشی جو بخت اهون قدریوه
نوم جو واش خلسوه زمم جو بورضی ریوه

اورامنان

بله چه سوری انوته دیر وائی ورده کو رنج دشوار زاهان

اورامنان

- ۸ بچوان تجربتی منده اهره آج دل رنگ واج و انوشه بو
متر بگرتی چوبان در و دشت نه او شله وزی نه خوردمی شو

اورامنان

- ۱۰ بسدم والوا با دل برنجیر دمهر اج ناره اربهررت اج ویر
زانگ واری نادان ش نشانست مرر اوی مرزوانان هیز اوی هیز

توضیحات

از زبان کرجی در اینجا منظور گرج ابودلف است که امروز به آستانه شهرت دارد و در ۳۶ کیلومتری جنوب اراک قرار گرفته است. بیت دوم این اشعار با ضبطی متفاوت در تسلیه^۱ الاخوان عظاملک

۱. مریر خوانده می شود.

۲. اصل متنی

جویی (ص ۴۷) نیز آمده و زبان آن پهلوی دانسته شده است. در این کتاب این شعر به کافی ظفر کرجی نسبت داده شده است. حمدالله مستوفی (۹-۱۳۳۶: ۷۴۶) در شرح حال کافی کرجی می‌نویسد: «... ابوالفرج احمد بن محمد، مداح محمدالدین علاءالدوله همدانی بود. به اول قنبر مغول در گذشت» به زبان کرجی اشعار خوب دارد. مستوفی سپس شش بیت از اشعار او را به زبان کرجی نقل می‌کند (مستوفی، ۷۴۷). ضبط تنسیه‌الاحوان از بیت مورد بحث چنین است:

غلام کیخسرو می که نیکش اندیشه بکا از میانه بورت سحرمنش^۱ کاله ورا^۲

از عبارت جویی که می‌نویسد: «و کافی ظفر کرجی به زبان پهلوی خوش گوید» برمی‌آید که او معنی این شعر را کاملاً درمی‌یافته که به آن استاد کرده است. بنابراین ضبط او نسبت به ضبط مأخذ ما ارجح به نظر می‌رسد. این نکته را وزن مصراع دوم که در ضبط جویی با وزن مصراع اول یکسان است نیز تأیید می‌کند. در بیت اول کها به معنی «جهان» است، اما معنی و ضبط کلمات اژه، مبرزه، بکشت معلوم نیست. کجی به احتمال قریب به یقین تصحیف کجی به معنی «کسی» است. در مصراع دوم کلمه اژه تکرار شده و معنی لکنا نیز معلوم نیست. معنی بیت: «جهان ... باشد به ... کسی نرسی - به پای کسی در نشو، جهان ... باشد ...» معنی مصراع اول بیت دوم روشن و بدین شرح است: «غلام کیخسرو هستم که اندیشه بک کرد» صورت دیگر بکا در جویی بکه است و ظاهراً او این کلمه را به تلفظ رایج در پیرامون خود درآورده است. بکه با -ش سوم شخص مفرد ماضی ساده فعل کردن است. معنی و ضبط کلمات مصراع دوم بیت دوم مناسفانه روشن نیست. معنی ابیات بریزی مناسفانه به کلی نامعلوم است و بها بعضی از کلمات آنها را می‌توان تشخیص داد.

در بیت هفتم به ظاهراً اشاره به نام مؤلف رساله، حاج به است. اگر این حدس درست باشد این شعر از خود او است. سوری ظاهراً به معنی «سودی» است. او احتمالاً همان کلمه فارسی منانه *anōh* به معنی «آنجا» است. اگر وانی را تصحیف یا تبدیل مانی بدانیم و معنی پیشنهادی سایر کلمات درست باشد معنی مصراع چنین است: «به چه سودی که تو آنجا دیرمنی؟» سایر کلمات مصراع دوم بحر کلمه دشوار مشخص نیست. در بیت هشتم احتمالاً کلمه منده تبدیل مانده است، اما ضبط و معنی سایر کلمات روشن نیست. در مصراع دوم و نوشته به معنی «بنفشه» و معنی مصراع چنین است: «از گل رنگ و از بنفشه بو»

۱- در سه نسخه دیگر کتاب بحرمنش، بحرمنش، بحرمنش
۲- در نسخه دیگر ودا

در مصراع اول بیت نهم مُرّ ظاهراً مبدل مُنت (= من + مُنت) است. ت‌های بعد از مصوت در زبان پهلوی آذربایجان به ر بدل می‌شده است، اما بکرته در همان‌جا به دشواری می‌تواند همان بکرده فارسی باشد. یان همان کلمه جان و معنی در و دشت نیز روشن است، اما ضبط و معنی واژه‌های مصراع دوم روشن نیست. در بیت دهم ظاهراً آخرین حرف قافیه ر است، اما در مصراع چهارم کلمه قافیه به شکل هر ضبط شده که باید غلط باشد. معنی این دو بیت به هیچ وجه روشن نیست و تنها بعضی کلمات آن قابل تشخیص است. (دمهر در مصراع دوم بیت دهم یعنی «در مهر» و معنی مصراع آخر ظاهراً چنین است: «مرز بی مرز بانان ... بی ...»).

کتابنامه

حویسی، عظامک، ۱۳۶۱. تسلیه لاجوار به کوشش عباس ماهیار، تهران، گروه انتشاراتی آباد.
مستوفی، حمدالله، ۱۳۳۶-۹. تاریخ گزیده، به کوشش عبدالحسین لواتی، تهران، امیرکبیر.

منتشر شد

